



مرکز ملی فضای مجازی
پژوهشگاه فضای مجازی

عصر
فضای
مجازی
بیست و هشتم



عوامل و پیامدهای بی‌اخلاقه در شبکه‌های
اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی کیفری

Immoral factors and consequences in
networks social from the perspective of
criminal sociology



مرکز ملی فضای مجازی
پژوهشگاه فضای مجازی

بررسی عوامل و پیامدهای بی‌اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی کیفی

گزارش شماره (۲۸)

اسفند ماه ۱۳۹۸

تهیه شده در: پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی - گروه مطالعات اخلاقی فضای مجازی

تهیه کننده: امیرعباس رکنی (دانشجوی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی)

ناظر علمی: محمدمهدی نصره‌رندی

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نش خیابان ۱۶ غربی، پلاک ۲۰، کدپستی ۱۵۱۵۶۷۴۳۱۱

<http://www.majazi.ir>

شماره تماس: ۸۶۱۲۱۰۶۱

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع است.

محتوای انتشار یافته در این گزارش الزاماً بیانگر دیدگاه مرکز ملی فضای مجازی نیست

سخن تحت

فضای مجازی با شتاب شگرف و روبه‌ترایدی که در حال بطن و گسترش است تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی بشر را در نور دیده و هر روز بخش بزرگی از زندگی واقعی را در خود فرو برده و حیات متفاوت و جدیدی به آن می‌دهد. لذا به نظری رسد دو نگاه کلان به فضای مجازی وجود دارد: نگاه اول که بلاخص در ابتدای رشد و تکوین فضای مجازی مسلط شده بود، آن را همچون ابزاری کنار سایر ابزارهای بشری تصویر می‌کرد که تنها طریقت داشت. اما نگاه دوم، در نتیجه رشد تحولات خیره‌کننده فضای مجازی و سایه‌گسری آن در حوزه‌ها و شئون بشر در یک دهه اخیر آن را چون سکویی می‌داند که بسیار فراتر از شأن ابزاری حیات انسان‌ها را سامان جدیدی داده و ادعای تمدن‌نویسی را دارد. رویکردی که از قضا از چشمان بصیر رهبران انقلاب نیز دور نمانده و انتظاری تمدنی از فضای مجازی در ایران را مطالبه داشته‌اند.

در همین راستا گزارش‌های عصر فضای مجازی تلاش می‌کند تا فهم سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با حوزه‌ی فضای مجازی را ارتقاء بخشد و آن‌ها را برای مواجهه فعال و خردمندانه با تحولات این عرصه مهیا سازد.

سید ابوالحسن فیروزآبادی

دبیر شورای عالی ورزش مرکز ملی فضای مجازی

چکیده

با پیشرفت روزافزون دانش بشری ارزش و اهمیت تحقیقات میان‌رشته‌ای در تمام زمینه‌های مطالعاتی به شکل چشم‌گیری افزایش یافته‌است؛ خصوصاً در تحقیقات مرتبط با زندگی اجتماعی انسان نگاه تک‌بعدی و عدم استفاده از یافته‌های سایر علوم به شدت از اعتبار نتایج تحقیقاتی که به منظور علت‌یابی پدیده‌های اجتماعی انجام می‌شود، می‌کاهد. بی‌اخلاقی کاربران فضای مجازی به عنوان یک رفتار نامطلوب، متأثر از سلسله عوامل متعددی است. علم حقوق در مقام مجموعه قواعدی که بر اشخاص از این جهت که در یک اجتماع هستند، حکومت می‌کند، ارتباط تنگاتنگی با اخلاق دارد. اخلاق را باید یکی از مهم‌ترین منابع علم حقوق به‌شمار آورد. از همین رو دانشمندان علم حقوق در هر یک از گرایش‌های حقوقی متأثر از اخلاق، نظریات گوناگونی ارائه داده‌اند. جرم‌شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های مطالعاتی حقوق کیفری به مطالعه چرایی و علل بزهکاری از یک سو و بررسی بزه‌دیدگی از سوی دیگر می‌پردازد. اندیشمندان جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری نظریاتی ارائه کرده‌اند که با تطبیق این نظریات با الگوهای رفتاری کاربران فضای مجازی می‌توان در زمینه کنترل و پیشگیری از بی‌اخلاقی‌ها، به نتایج قابل توجهی رسید. در این گزارش از این دیدگاه‌ها برای بررسی عوامل بی‌اخلاقی در فضای مجازی و نیز پیامدهای آن در محیط واقعی زندگی استفاده کرده و نشان می‌دهیم که چگونه سه عامل تقلید، کاهش همبستگی اجتماعی و شرایط آسیب‌زای محیطی، مناسی برای ظهور رفتارهای غیراخلاقی در فضای مجازی است.

واژگان کلیدی

اخلاق، حقوق، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی کیفری، بی‌اخلاقی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی

فهرست مطالب

۲ مقدمه
۳ ۱- علل و عوامل بی‌اخلاقی در فضای مجازی
۴ ۱-۱- نظریات تارد
۶ ۱-۲- نظریه دورکیم
۸ ۱-۳- مکتب شیکاگو
۱۱ ۲- پیامدهای بی‌اخلاقی مجازی در زندگی حقیقی
۱۲ ۲-۱- پیامد مثبت
۱۴ ۲-۲- پیامد منفی
۱۸ جمع‌بندی
۲۰ منابع

مقدمه

گروهی از اندیشمندان اخلاق را برتر از آداب و رسوم گروهی و اجتماعی و امری ثابت می‌دانند. اما در مقابل، گروهی دیگر به اخلاق جنبه اجتماعی می‌دهند و هیچ حسن و قبحی را خارج از وجدان جمعی نمی‌دانند. دسته دیگر از صاحب‌نظران به امری میان این دو نظر قائل هستند؛ زیرا از یک سو نمی‌توان اثر آداب و رسوم و داوری جامعه را در اخلاق انکار کرد و تأثیری که در هر جامعه ایجاد می‌کند، نادیده گرفت و از سوی دیگر اخلاق نباید دنباله‌رو جامعه قرار گیرد؛ بلکه باید راهبر و راهنمای آن باشد. در نتیجه باید وجدان پرهیزکاران و خردمندان را معیار گرفت، نه توده مردم را. این مفهوم اخلاق که واسطه میان خلق و خوی اجتماعی و اخلاق برترین و ثابت است، «اخلاق والای اجتماعی» نام دارد. این اخلاق در عین حال که نقش رهبری و هدایت خود را حفظ می‌کند، ثابت و جاودانه نیست و با جامعه و نیازهای آن و باور عمومی حرکت می‌کند و تحولی آرام می‌یابد.^۱

فضای مجازی همانند فضای حقیقی جزئی از زندگی امروز بشر است که نیازمند اخلاق والای اجتماعی است. همان‌گونه که در فضای حقیقی نمی‌توان اجازه داد تا اخلاق دنباله‌رو بی‌قید و شرط عرف و عادات اجتماعی باشد، در فضای مجازی نیز تبعیت اخلاق از عرف و عادات کاربران که اکثراً این موارد را بر اساس خرده‌فرهنگ‌های خود شکل می‌دهند، سبب تحریف اخلاق راستین و فرسایش نظام اخلاقی حاکم بر جامعه می‌شود. از طرف دیگر نیز اخلاق در فضای مجازی - چنان‌که در مورد فضای حقیقی گفتیم - بی‌ارتباط و بدون توجه به نیازهای جامعه مجازی نیست. در حقیقت، اخلاق فضای مجازی راهکارهای خود را باید بر حسب مبانی علمی مختلف ارائه دهد و با این حساب از زمره اخلاق کاربردی محسوب می‌شود. اخلاق کاربردی شاخه‌ای از علم اخلاق است که درباره نحوه کاربست عملی مبانی و معیارهای نظریه‌های مختلف اخلاقی بحث می‌کند. به همین دلیل اخلاق فضای مجازی نیاز دارد تا تمامی علوم را که به نوعی با اخلاق مرتبط است، مد نظر قرار دهد و بدین ترتیب در زمره مطالعات بین‌رشته‌ای قرار دارد. بنابراین استفاده از نظریات و اندیشه‌های علوم مختلف در تبیین موضوعات آن و علت‌شناسی آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

امروزه بسیاری از مباحث اخلاقی با علم حقوق تلاقی دارند. علم حقوق در اخلاق دارای نقشی اساسی است. اخلاق مبنای تدوین قوانین حقوقی است و حقوق ضامن اجرای دستورات اخلاقی. نظارت حقوقی تضمین خواهد کرد که از حق آزادی و کرامت همه افراد در فضای حقیقی و همه کاربران در فضای مجازی محافظت شود؛ خصوصاً زمانی که عده‌ای از کاربران با اعمال خشونت‌بار در صدد تهدید حقوق دیگران برآمده‌اند. این ارتباط تا حدی است که اندیشمندان علم جامعه‌شناسی معتقدند اگر اخلاق را از کنار حقوق برداریم، زیبایی و لطافت را برداشته و تنها از زور و اقتدار اطاعت کرده‌ایم. پس طرز اعمال حق باید اخلاقی باشد. در نتیجه حقوق

^۱ مقدمه علم حقوق، ص ۶۰

نیز از اخلاق تأثیر پذیرفته و ارتباط مستقیمی میان این دو وجود دارد. به تعبیر دکتر کاتوزیان در حقیقت حقوق رسوب تاریخی اخلاق بوده و این در مورد تعدیل حقوق بسیار مؤثر است. یعنی در کنار قواعد حقوقی یک سلسله قواعد اخلاقی وجود دارد که آن‌ها را متعادل می‌کند.^۱ حجت‌الاسلام دکتر میرباقری نیز درباره ارتباط اخلاق و حقوق می‌گوید: «بشر ابتدا به رفاه همه‌جانبه در زندگی خود گرایش یافت. سپس برای تأمین این رفاه به یک نظام حقوقی روی آورد و سرانجام سازمان‌های بین‌المللی را به استیفای این حقوق مکلف ساخت. به همین جهت در تبیین نسبت «اخلاق» و «فناوری اطلاعات» باید فرایند «ارزشی، حقوقی و دستوری» مقوله «اخلاق» را کاوید. ارزش‌های اجتماعی مبدأ پیدایش نظام حقوقی و دستوری جامعه می‌باشند؛ یعنی جوامع مختلف بر اساس نظام ارزشی خود، حدود و حقوقی را تعریف می‌کنند و متناسب با این حقوق، به طراحی تکالیف و دستورها می‌پردازند. گاهی آن‌چه از اخلاق در حوزه‌هایی چون «فناوری اطلاعات» قصد می‌شود، نظام حقوقی و دستوری است که از تمایلات عمومی بر می‌آید. برای مثال در اعلامیه‌ای که در نشست جهانی جامعه اطلاعاتی به تصویب رسیده است^۲، به جای ارزش‌ها به حقوق و دستورهای برآمده از آن تأکید می‌شود. این امر بدان جهت است که بین این دو، پیوندی جدی برقرار است که گاهی هم این دو عرصه با هم آمیخته می‌شوند»^۳.

با توجه به آن‌چه گذشت، در بخش اول این گزارش با استفاده از تطبیق و بررسی نظریات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی مختصراً به تبیین دلایل بداخلاقی کاربران فضای مجازی و به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی خواهیم پرداخت.

در بخش دوم پیامدهای بی‌اخلاقی در فضای مجازی در محیط واقعی زندگی افراد و جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- علل و عوامل بی‌اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی

در این فصل اخلاق در فضای مجازی را از منظر سه مکتب تارد، دورکیم و شیکاگو به بحث می‌نشینیم و عوامل بی‌اخلاقی را با هر یک از این مکاتب برمی‌شماریم. نکته جالب توجه در این نظریه‌ها آن است که علیرغم اختلافاتی که با یکدیگر دارند، به‌وسیله هر کدام می‌توان از زاویه‌ای بدون تعارض با یکدیگر به فضای مجازی نگاه کرد. بررسی این عوامل می‌تواند ما را به راهکارهای مواجهه با بی‌اخلاقی در این فضا نیز رهنمون شود.

^۱ اخلاق و حقوق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری

^۲ اعلامیه اصول ایجاد و ساخت جامعه اطلاعاتی

^۳ منزلت اخلاق در فناوری اطلاعات، ص ۱۰

۱-۱- نظریات تارد^۱

گابریل تارد^۲ از نظریه‌پردازان مکتب محیط اجتماعی در قرن نوزدهم و نویسنده کتاب‌های معروف «فلسفه کیفری»^۳ و «بزهکاری تطبیقی»^۴ بود. او خود را جزو آماردانان اخلاق می‌دانست. تارد معتقد بود که میزان بزهکاری در یک جامعه معیار مناسبی برای اندازه‌گیری سطح اخلاق آن جامعه است. وی دامنه اخلاق و حقوق جزا را یکی می‌دانست و عقیده داشت هر عملی در اخلاق مذموم است، حقوق جزا هم آن را جرم می‌داند. از نظر تارد انسان‌ها به شکل بی‌نهایت از یکدیگر تقلید می‌کنند و جوامع بشری تحت تأثیر این تقلیدهای متقابل متحول می‌شوند. در نتیجه، تحولات اخلاقی و رفتاری انسان‌ها ناشی از تقلید از یکدیگر است. این تقلید در جامعه صورت می‌گیرد. انسان از جامعه تقلید می‌کند، جامعه نیز از افرادش و به تدریج یک فرهنگ عمومی شکل می‌گیرد. از منظر تارد جامعه منهای فرد وجود خارجی ندارد.

در منظر مکتب محیط اجتماعی تأکید بر روی اخلاق و عمل ضد اخلاقی و مقایسه آن با جرم است. در این مکتب از طریق آمار جرایم و محکومیت‌های کیفری میزان اخلاق یک منطقه را اندازه می‌گیرند، نه میزان جرایم را. تارد در کتاب معروف خود به نام قوانین تقلید، سه نظریه مطرح می‌کند در اثبات این که انسان‌ها چگونه از یکدیگر تقلید می‌کنند و انسان‌های اجتماعی رفتار جامعه را با تقلیدهای متقابل از هم متحول می‌کنند.

الف) انسان‌ها بیشتر از کسانی تقلید می‌کنند که نزدیکتر به آن‌ها هستند؛ یعنی از محیطی که در آن حضور دارند و به آن نزدیک هستند، بیشتر تقلید می‌کنند تا محیط دور. در این نظریه که بر تأثیر محیط بر فرد تأکید دارد، افرادی که در محیط‌های فاسد حضور دارند و زندگی می‌کنند، در چارچوب تقلید مرتکب اعمال رایج در آن محیط می‌شوند؛ یعنی آن رفتارها را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهند.

ب) انسان‌ها بیشتر از کسانی تقلید می‌کنند که از نظر سلسله‌مراتب اجتماعی بالادست آن‌ها هستند؛ یعنی افراد فرودست از افراد فرادست تقلید می‌کنند. این تقلید از بالا در همه روابط اجتماعی وجود دارد.

ج) تقلید، تابع تحولات جامعه بوده و تحول‌پذیر است. تقلید روزآمد می‌شود همان‌طور که یک مد قدیمی کنار گذاشته شده و سبک و مد جدیدی رایج می‌شود.

با توجه به نظریات تارد تطبیق بی‌اخلاقی در فضای مجازی با اصول این نظریه به بیان زیر قابل انجام است: شبکه‌های اجتماعی - که گزاف نیست اگر بگوییم امروزه تبدیل به اصلی‌ترین محل زندگی کاربران و در واقع انسان‌ها شده‌اند - نزدیک‌ترین محیط زندگی آنان به حساب می‌آیند. کاربران شبکه‌های اجتماعی تقریباً تمام بخش‌های فضای زندگی حقیقی را در بستر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گنجانده‌اند، از غذا خوردن

^۱ تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفری، ص ۴۴۱، ۴۴۴ و ۴۵۹

^۲ Gabriel Tarde

^۳ La philosophie pénale

^۴ La criminalité comparée

و تفریح کردن تا بیان‌اندیشه‌های سیاسی و حتی روابط خصوصی و عاشقانه. حال با توجه به آن که در نظریه تارد انسان از محیط نزدیک و اطرافیان خود تقلید می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر در این محیط بی‌اخلاقی امری رایج و متداول شود، کاربران شروع به تقلید از یکدیگر کرده و بی‌اخلاقی بر شبکه‌های اجتماعی حاکم می‌شود. این بی‌اخلاقی‌ها - که برخی از موارد آن نظیر خشونت در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های جامعه جهانی در فضای مجازی است - در نظریه تقلید تبدیل به یک فرهنگ عمومی و امری رایج در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. در نظریه دوم بیان شد که افراد از بالادستی‌های خود بیشتر تقلید می‌کنند. در شبکه‌های اجتماعی همانند دنیای واقعی عده‌ای از کاربران از قدرت و عمق نفوذ بیشتری نسبت به دیگران برخوردار هستند. این افراد تأثیرگذارها^۱ نام دارند که عبارتند از سلبریتی‌ها و حتی به اصطلاح شاخ‌های مجازی. آن‌ها بنا بر هر دلیلی دنبال‌کنندگان بیشتری دارند، آمار بازدید از پست‌های آن‌ها بیشتر است و افرادی هستند که هم بر کاربران و در نتیجه بر محیط شبکه اجتماعی تأثیرگذارتر می‌باشند. حال اگر این افراد از نظر اخلاقی دچار انحراف و بداخلاقی بوده و مبادرت به ترویج اعمال خلاف اخلاق جامعه حقیقی نمایند، خود دست به اقدامات غیراخلاقی در بستر فضای مجازی بزنند و یا واکنش‌های آن‌ها به دیگران همراه با بداخلاقی باشد، دنبال‌کنندگان آن‌ها نیز به تقلید از آن‌ها می‌پردازند. چرا که آن‌ها را ناخودآگاه فرادست خود دانسته و کنش آنان را الگوی مسلط رفتاری خود قرار می‌دهند.

در نظریه سوم بیان شد که تقلیدها نیز دچار تحول و به‌روزرسانی می‌شوند. این امر نیز در شبکه‌های اجتماعی به وضوح قابل مشاهده است. بی‌اخلاقی‌ها و بداخلاقی‌ها در رسانه‌های اجتماعی توسط عده‌ای از کاربران سیر پرشتابی به خود گرفته و هر روز وارد مرحله پست‌تری از ردیلت‌های اخلاقی می‌شود. به عنوان مثال مصادیق خشونت نظیر استفاده از الفاظ رکیک، رجزخوانی، حمله‌های گروهی به صفحه شخصی افراد و بارگذاری فیلم‌های خشونت‌آمیز علیه انسان‌ها و حیوانات - از جمله اعمالی است که در گذشته به مراتب کمتر شاهد آن در شبکه‌های اجتماعی بودیم. در نتیجه می‌توان گفت نظریات تارد و تأکید او بر تقلید را می‌توان در راستای مطالعات اخلاقی به‌منظور یافتن عوامل بی‌اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی به کار بست و انطباق داد.

به‌علاوه با افزایش فاصله انسان‌ها از یکدیگر در فضای حقیقی عمده کاربران خصوصاً نسل جوان به دنبال پرکردن خلأهای عاطفی و اجتماعی خود در فضای مجازی هستند. در این فرایند، عامل مؤثر تقلید سبب می‌شود تا کاربران در تماس با افرادی که فاقد هرگونه صلاحیت اخلاقی و رفتاری هستند، اقدام به یادگیری و انجام رفتارهای مشابه کرده و در نتیجه یک الگوی رفتاری جدید که در تضاد با اخلاق حسنه است، شکل بگیرد.

^۱ Influencer

پیامد دیگر تقلید، مصرف‌گرایی^۱ است که یک ویژگی غیراخلاقی و از خصوصیات تهاجم فرهنگی می‌باشد.^۲ مصرف‌گرایی در کشور با حضور سلبریتی‌ها در فضای مجازی و سرازیر کردن انبوه تبلیغات از سوی آن‌ها به سمت کاربران، به شکل شدیدتری ظهور یافته و سبب رنگ باختن ارزش‌های والای اخلاقی در میان کاربران فضای مجازی شده است. عمق نفوذ این شخصیت‌ها از اصلی‌ترین عوامل تقلید کاربران از آن‌ها است. قرار گرفتن این معادله در کنار افزایش شکاف طبقاتی در سطح اجتماع و نابسامانی‌های اقتصادی طبقات کم‌برخوردار، جامعه را در مسیر تباهی اخلاقی «مصرف‌گرایی به هر قیمتی» قرار می‌دهد.

اندیشمندان زیادی تحت تأثیر نظریات تارد و در راستای بسط آراء او سعی در ارائه نظریات جدیدتری کرده‌اند. یکی از این افراد ادوین ساترلند^۳ استاد دانشگاه و جرم‌شناس آمریکایی است که بیشتر با نظریه مجرمان یقه‌سفید شناخته می‌شود. او با بهره‌گیری از نظریات تارد، نظریه معاشرت ترجیحی را ارائه نمود. ساترلند با بیان این که اگر فرد با محیط‌ها و تشکلهای منحرفی ارتباط داشته باشد که انجام اعمال غیراخلاقی و نابه‌هنجار را مطلوب و آرمان خود می‌دانند، تحت تأثیر محیط و این افراد ارتکاب اعمال غیراخلاقی و مجرمانه را فرا می‌گیرد. از نظر ساترلند روند یادگیری تابع سه عامل است: ۱- تعدد تماس فرد با محیط، ۲- کیفیت رابطه فرد با محیط و ۳- مدت تماس رابطه فرد با محیط.

۱-۲- نظریه دورکیم^۴

یکی از مشهورترین متفکران و نظریه‌پردازان جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی امیل دورکیم^۵ نویسنده کتاب معروف «خودکشی»^۶ می‌باشد که اثر او به‌عنوان منشور جامعه‌شناسی جنایی شناخته می‌شود. او در این کتاب بر هنجارها و به‌هنجار بودن جامعه تأکید می‌کند و معتقد است که وقوع بزهکاری به دلیل بی‌هنجاری در جامعه است و با ساختار جامعه، فرهنگ یک کشور و زمان و مکان ارتباط مستقیم دارد. دورکیم با مخالفت دیدگاه اندیشمندانی نظیر ژان ژاک روسو^۷ و تارد معتقد است که جامعه یک نهاد مستقل می‌باشد که وجود آن از افراد آن گرفته نشده است. دورکیم معتقد است که قانون ریشه در وجدان جمعی و ارزش‌هایی دارد که در آن متبلور می‌شود. پس اخلاق و قانون که منبع حقوق است، تجلی وجدان جمعی است؛ اما این وجدان جمعی به‌عنوان یک تأسیس مستقل، وجود قائم بر ذات خویشتن دارد.

^۱ Consumerism

^۲ تهاجم فرهنگی و تأثیر آن بر الگوی مصرفی ایران، مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۳ Edwin Sutherland

^۴ تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفی، ص ۴۴۹

^۵ Émile Durkheim

^۶ Suicide etude de sociologie

^۷ Jean-Jacques Rousseau

مطابق با نظریه او با توجه به گسترش و توسعه جوامع انسانی، تخصصی شدن مشاغل و به وجود آمدن صنف‌ها و گروه‌های مختلف، در مقابل وجدان جمعی - که تبلور ارزش‌های اساسی جامعه است - شاهد پیدا شدن وجدان‌های گروهی هستیم و هر یک از وجدان‌های جمعی در مقابل خود وجدان‌های کوچک متعددی را می‌بیند. هر یک از این وجدان‌های کوچک از مرام‌های خاص خود حمایت می‌کند که در وجدان جمعی جایی ندارد. دورکیم تأکید می‌کند که همبستگی عمومی میان این گروه‌ها و اشتراک ارزش‌های خاص آن‌ها موجب شده است تا حمایت افراد از وجدان جمعی کم‌رنگ شده و معطوف به وجدان‌های فردی و گروهی شود. در نتیجه شاهد نوعی تعارض بین ارزش‌های وجدان جمعی و خرده‌ارزش‌های گروهی هستیم.

او با اشاره به صنعتی شدن و توسعه جوامع و مقایسه آن با جوامع سنتی و قدیمی بیان می‌کند که در جوامع قدیمی یکپارچگی وجود داشت. لذا اعضای جامعه از ارزش‌ها و باورهای خود که اخلاق نیز جزئی از آن است و به تعبیر دورکیم وجدان جمعی، محافظت می‌کردند و برای حفظ این ارزش‌ها از وسایل کنترل اجتماعی استفاده می‌نمودند. به عبارت دیگر نوعی الحاق عمومی به آن ارزش‌ها و همبستگی اجتماعی وجود داشت. یک انسان مدرن خود را هم‌زمان هم در وجدان‌های فردی و گروهی و هم در وجدان جمعی شریک می‌بیند و لذا منافع خویش را از یک‌سو در وجدان گروه خود و از سوی دیگر در وجدان جامعه باز می‌یابد؛ اما هرگاه تعارض بین این وجدان‌ها به وجود آید، فرد تمایل به حمایت و تبعیت از وجدان گروه خود دارد؛ زیرا وجدان گروه دارای ارزش‌های خاص تری نسبت به وجدان عمومی بوده و در نتیجه به فرد نزدیکتر است. از طرفی در جوامع مدرن به دلیل اشتغال زیاد وقت به امور فردی همبستگی اجتماعی کاهش پیدا کرده، کنترل اجتماعی نیز ضعیف شده است و این تعارض میان وجدان گروهی و وجدان جمعی پدیده‌ای به نام انومی^۱ یا خلأ هنجاری به وجود می‌آورد. حالتی که فرد خود را فارغ از کنترل و نگاه جامعه دانسته و آزاد می‌بیند. لذا دست به کارهایی می‌زند که ناقض منافع جامعه و اخلاق است. از منظر دورکیم جرم تلقی کردن برخی رفتارها باعث می‌شود تا مرزهای اخلاق را مشخص کنیم. پس وجود جرم در واقع به منظور مشخص کردن محدوده اخلاق است؛ همان طور که بیماری ارزش سلامتی را نشان می‌دهد.

نظریات دورکیم از جمله نظریه‌های قابل انطباق در راستای تبیین علل بی‌اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی از منظر اخلاق است. بر این اساس هر کدام از افراد جامعه متناسب با تربیت و آموزشی که داشته‌اند و با توجه به اخلاق مسلط بر رفتار خود در گروه‌هایی متناسب با هنجارها و عقاید خود در فضای مجازی عضو می‌شوند. عده‌ای از افراد در جامعه گرایش به بی‌اخلاقی و هنجارشکنی داشته و از رفتارهای ضد اجتماعی خود نه تنها لذت می‌برند؛ بلکه آن را افتخار و ارزش می‌دانند. جمع شدن این‌چنین افرادی در کنار یکدیگر سبب شکل‌گیری گروه‌های بداخلاقی می‌شوند که خشونت، قانون‌شکنی، جامعه‌ستیزی و بی‌اخلاقی از ارزش‌های مسلم آنان است. در این‌جا همان اتفاقی که در فضای حقیقی افتاد، تکرار می‌شود؛ یعنی اعضای این گروه‌ها در تعارض میان

^۱ Anomie

ارزش گروه خود و وجدان جمعی شبکه‌های اجتماعی که فعلا بر مدار اخلاق و انسانیت است، ارزش‌های گروه خود را برگزیده و به حمایت، ترویج و نمایش آن می‌پردازند. در چنین وضعیتی فضای حقیقی نیز بازدارندگی خود را بیش از پیش از دست می‌دهد؛ زیرا در جوامع مدرن با گسترش فزاینده فضای مجازی نه تنها انسان به لحاظ ارتباط با فضای حقیقی فردگرا شده است، بلکه در اثر ارتباط با گروه‌های همسو با خود جامعه‌گرا در جهتی بر خلاف جامعه حقیقی نیز شده است. در چنین حالتی کنترل اجتماعی به غایت ضعف می‌رسد و ارزش‌های گروه مجازی در تعارض با ارزش‌های جامعه حقیقی برنده بلامنازع میدان خواهد بود. دلیل تشکیل صفحات متعدد در شبکه‌های اجتماعی با عناوینی همچون «شرارت» و «شورورهای فلان ناحیه» نیز همین مسئله است، صفحاتی که به معرفی و انتشار تصاویر افراد شرور و توضیح افتخارات شرورانه آن‌ها به تعبیر خودشان می‌پردازند. نمایش دادن سلاح‌های سرد و گرم، اثر زخم‌های ناشی از نزاع درگیری با پلیس و نظایر آن برای این افراد افتخار و ارزش محسوب می‌شود. از دیگر کارکردهای حضور این گروه‌ها پرورش قلدرها و تشویق به انجام اعمال خشونت‌بار در نسل جوان است.

البته باید توجه داشت که در خصوص شکل‌گیری چنین گروه‌هایی باید سهمی نیز برای سیاست‌گذاران فرهنگی و مسئولان اجرایی قائل بود. کم‌توجهی به کمبودهای مادی و معنوی اعضای این گروه‌ها خصوصا جوانان و نوجوانان که تحت شرایط تنهایی و فشار روحی- روانی به نوعی به این گروه‌ها پناه می‌آورند، عدم استفاده از تأسیس‌های کارآمد قانونی نظیر شیوه‌های بازپروری و اقدامات تأمینی و تربیتی و عوامل دیگر سبب مهاجرت آنان به فضای مجازی و ایجاد شیوه زندگی جدید با همان ارزش‌های حاکم بر گروه می‌شود؛ با این تفاوت که در این حیات جدید امکان کنترل و نظارت به مراتب دشوارتر و کمتر است.

۱-۳- مکتب شیکاگو^۱

مکتب شیکاگو^۲ که به بوم‌شناسی جنایی نیز معروف است به وسیله دو دانشمند آمریکایی به نام‌های شاو^۳ و مک‌کی^۴ بنیان گذاشته شد. این نظریه بر این فرض ارائه شده است که انسان‌ها مثل گیاهان و حیوانات در یک فضای طبیعی و مرزهای مشخصی فعالیت و زندگی می‌کنند. در این فضای طبیعی نوعی نظم در فعالیت‌های انسانی به چشم می‌خورد. این فضای طبیعی، شهر محل سکونت افراد است و حتی در بلوک‌های ساختمانی نیز وجود داشته و قابل تصور است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که همان‌طور که گیاهان زمانی رشد و نمو می‌کنند که با محیط زیست خودشان در تعادل بوده و فضای حیاتی کافی برای باروری خود داشته باشند،

^۱ تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفی، ص ۴۶۴ و ۴۶۷

^۲ Shicago Schoo

^۳ Clifford Robe Shaw

^۴ Henery Mc Kay

انسان‌ها نیز به همین شکل زمانی رشد می‌کنند و شکوفا می‌شوند که با محیط زیست خود در تعادل و تعامل باشند و به همین ترتیب همانند گیاهان اگر با محیط زیست و فضای زندگی خود در توازن و هماهنگی نباشند، دچار کج‌روی، آسیب‌های اخلاقی و بزهکاری می‌شوند. با توجه به این مقدمه این نظریه این گونه تشریح می‌شود که اگر در بعضی از محله‌های شیکاگو میزان بزهکاری از بقیه محله‌ها بیشتر است، به خاطر فقر اقتصادی ساکنان این مناطق نیست؛ بلکه علت این کج‌روی‌ها، زوال ارزش‌های اخلاقی و ارتکاب جرم را باید در ویژگی مکان و فضای آن محل جستجو کرد؛ یعنی فضای آن محل دچار آسیب بوده و نوعی آسیب‌شناسی در خصوص آن صادق است. در واقع، علت رشد موارد ذکر شده به دلیل وضعیت بوم‌شناختی نامطلوب آن محل است و نه در نوع، نژاد، قوم و یا فرهنگ ساکنان آن محیط.

این دو دانشمند با افزایش تمرکز مطالعات خود مشاهده کردند که در یک بازه زمانی مشخص تعداد زیادی افراد در این محله‌ها جابه‌جا شده و از آن نقل مکان کرده‌اند؛ اما نرخ بزهکاری همچنان ثابت مانده و تغییری نکرده است؛ چرا که شرایط محیط ثابت و بدون تغییر باقی مانده است. دولت و مالکان این مناطق بنا بر بسیاری از دلایل، اقداماتی در جهت بهبود شرایط زیست‌محیطی این مناطق انجام نمی‌دهند. در نتیجه شاو و مک‌کی علت را در شرایط زیست‌گامی یافتند. این نظریه در راستای توجیه تعامل رفتار افراد با شرایط حاکم در محل زندگی آن‌ها است. محل زندگی به‌طور کلی به معنای شرایط و جو حاکم در محل زندگی افراد مانند کوچه، خیابان، ساختمان‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و ... است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که اگر آمار کج‌روی، بی‌اخلاقی و بزهکاری در این مناطق شهر بالا است، به دلیل خلأ هنجاری می‌باشد؛ یعنی وجدان جمعی و فرهنگ عمومی حاکم بر شهر در این مناطق وجود خارجی ندارد. این مناطق نسبت به سایر شهر بیگانه بوده و خرده‌فرهنگ خاص خود را دارند. همچنین نهادهای رسمی کنترل و نظارت اجتماعی در این محل‌ها وجود خارجی ندارند یا وجودشان بسیار ضعیف است.^۱

نظریه مکتب شیکاگو در تبیین معضلات اخلاقی در فضای مجازی کارایی بسیاری دارد. همان‌گونه که در این نظریه در خصوص فضای طبیعی و محل زندگی و تاثیرات آن بر افراد مطالبی بیان شد، امروزه شبکه‌های اجتماعی نیز تبدیل به محیط زیست و فضای طبیعی کاربران شده‌اند. تفاوت مهمی که میان این نظر و نظریاتی که پیشتر مطرح شد وجود دارد آن است که توجه خود را از روی افراد و کاربران به محیط معطوف کرده است. بر این اساس این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به خودی خود دچار یک سری آسیب‌ها هستند و آسیب‌شناسی در خصوص آن‌ها صادق است. به بیان دیگر شبکه‌های اجتماعی بنا بر برخی اقتضائات و ویژگی‌هایی که دارند و در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود، خود بستر مناسبی برای ایجاد بی‌اخلاقی هستند. در خصوص شناسایی و توضیح درباره هر یک از این ویژگی‌های خاص و بعضاً خلأهای

^۱ برای مطالعه بیشتر رک: دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد، انتشارات میزان

هنجاری نیازمند انجام پژوهش‌های مستقلی هستیم؛ لیکن در حال حاضر با توجه به موضوع این گزارش می‌توان به یک سری از این ویژگی‌ها و بسترهای آسیب‌زا در شبکه‌های اجتماعی اشاره نمود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آسیب‌زا در فضای مجازی ناشناس بودن کاربران است. ایجاد حساب‌های کاربری ناشناس و بعضاً جعلی در این شبکه‌ها امکان انجام طیف وسیعی از رفتارهای غیراخلاقی و مجرمانه را در اختیار کاربران قرار می‌دهد. هنگامی که یک کاربر بدون هویتی مشخص و قابل پیگیری در شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شود، خود را آزاد از هر قید و بندی می‌یابد و در چنین شرایطی چنان‌چه فرد از لحاظ اخلاقی دچار انحراف و یا ضعف باشد، به راحتی دست به انجام اعمال غیراخلاقی در بستر این شبکه‌ها می‌زند.

از دیگر بسترهای آسیب‌زا در شبکه‌های اجتماعی می‌توان به دشواری در نظارت اشاره کرد که موجب کمرنگ شدن قابل توجه نظارت در این فضا می‌شود. علت این مسئله آن است که اکثر شبکه‌های اجتماعی که کاربران در آن فعالیت می‌کنند، غیربومی بوده و سرورها و مراکز داده آن‌ها در کشور قرار ندارد. همچنین با توجه به سلسله عواملی که خارج از شبکه‌های اجتماعی مطرح است، نظیر تحریم توسط کشورهای صاحب این شبکه‌ها نه تنها دسترسی به اطلاعات و هویت افراد خاطی دشوار و بعضاً غیرممکن است، بلکه اعمال قواعد و قوانین اخلاقی متناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی نیز در آن‌ها امکان ندارد. در بستری که دارای چنین ویژگی‌هایی است، مسلماً نهادینه کردن اخلاق و مبارزه با بداخلاقی‌تنگناها و سختی‌های بسیاری را به همراه خواهد داشت و همین کافی است تا افرادی که دچار انحرافات اخلاقی هستند، وسوسه شده، مبادرت به سودجویی کنند و اغراض نامشروع خود را پیاده‌سازی نمایند. بدیهی است که انتظار خویشتن‌داری و مهارگری در موقعیت‌های مناسب برای انجام اعمال غیراخلاقی را نمی‌توانیم از همه کاربران داشته باشیم.

در این میان نبود عزم همگانی و بی‌توجهی متولیان و سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی برای بهبود و ترمیم محیط آشفته و نابسامان فضای مجازی در پاره‌ای از موارد باعث آن شده است تا گفتمان اخلاقی و ارزشی جامعه آن‌گونه که باید در فضای مجازی مطرح نشود و عموماً شاهد اقدامات دیرهنگام، مقطعی و یا خودجوش از سوی افراد و گروه‌های دغدغه‌مند باشیم که به دلیل عدم سازماندهی مناسب و برخورداری از تخصص و توانایی لازم عملی‌اثر است و با گذشت نزدیک به سه دهه از اتصال ایران به شبکه جهانی اینترنت نه‌تنها تاکنون هیچ‌گونه چشم‌انداز و نقشه‌راهی برای طراحی فضای مجازی بر اساس ارزش‌های اخلاقی جامعه تنظیم نشده؛ بلکه کدهای اخلاقی مورد نیاز یک کاربر ایرانی برای نحوه زندگی و استفاده در فضای مجازی در قالب یک سند منسجم و الزام‌آور نیز تنظیم نشده است تا کاربر حقوق و تکالیف خود را به شکل دقیق و مشخص بداند.

پس استفاده از نظریه مکتب شیکاگو در بررسی بی‌اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی این مزیت را دارد که با نگاه واقع‌بینانه، همه مشکلات را متوجه کاربران و اشکالات اخلاقی ایشان نکرده و بخشی از معضلات را ناشی از بستر موجود یعنی شبکه‌های اجتماعی می‌داند که محیط‌هایی هستند که اساساً می‌توانند آسیب‌زا باشند.

۲- پیامدهای بی‌اخلاقی مجازی در زندگی حقیقی

کاربران شبکه‌های اجتماعی همان شهروندانی هستند که در سطح جامعه مشغول زندگی روزمره هستند. آن‌ها را نمی‌توان افرادی تصور کرد که از یک سیاره دیگر وارد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شده و تنها در آنجا مبادرت به رفتارهای غیراخلاقی می‌کنند. با وجود این برای بسیاری از اندیشمندان، کارشناسان و حتی مردم عادی این سؤال مطرح است که چرا کاربران در شبکه‌های اجتماعی رفتارهایی انجام می‌دهند که در دنیای واقع کمتر این قبیل رفتارها از آن‌ها سر می‌زند؟ پاسخ را باید در برخی ویژگی‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بررسی کرد. در شبکه‌های اجتماعی افراد می‌توانند با هویت‌های جعلی مبادرت به کنش‌های غیراخلاقی کنند. یعنی مسئله بر سر آن نیست که فضای مجازی رفتار افراد را به شکل یکباره دگرگون می‌کند، بلکه فضای مجازی این امکان را در اختیار کاربران قرار می‌دهد که رفتارهایی را که بنا بر برخی خصوصیات خود تمایل به انجام آن دارند و در سطح جامعه به دلایل گوناگون از جمله نظارت و کنترل اجتماعی، نهادهای قانونی و دیگر عوامل بازدارنده امکان انجام آن را ندارند، در این بستر انجام دهند.

از طرف دیگر خاصیت شبکه‌های اجتماعی به دلیل حضور همه اقشار جامعه آن است که فاصله‌های میان انسان‌ها را از بین می‌برد. افرادی که در طول زندگی خود شاید هرگز یکدیگر را یک دقیقه ملاقات نکرده‌اند، به سادگی در این بستر معاشرت می‌کنند. در نتیجه، از میان برداشتن مرزها و حریم‌ها در شبکه‌های اجتماعی، خود از دیگر زمینه‌های مناسب برای بروز بداخلاقی در موقعیت‌هایی می‌شود که شاید فرد در شرایط مشابه در جامعه هیچ‌گاه دست به چنین اقدامی نزنند و بلکه حتی دسترسی به فردی که می‌خواهد با او بداخلاقی کند، نداشته باشد؛ چه رسد به آن که به او مثلاً فحاشی کرده یا او را تهدید کند.

نتیجه مهمی که از این بحث می‌توان گرفت آن است که آسیب‌شناسی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به شکل تک بعدی نه تنها ما را به نتایج مطلوب نمی‌رساند، بلکه امکان دارد سبب ایجاد انحراف در تصمیمات کلان و سیاست‌گذاری عمومی شود. به عبارت دیگر در این زمینه، ما نیازمند نگاهی موزاییکی و همه‌جانبه هستیم. باید پذیرفت که در بستر جامعه آسیب‌هایی وجود دارد که سبب ایجاد خلل در عملکرد صحیح دستگاه اخلاقی و ارزشی شده است. این آسیب‌ها ارزش‌های اخلاقی و حتی تعریف افراد جامعه را از اخلاق دگرگون می‌کند. اخلاقی بودن فضای جامعه و فضای مجازی باید خروجی یکسانی داشته باشد. هرچه فاصله میان هویت واقعی و هویت مجازی افراد جامعه بیشتر شود، میزان بداخلاقی نیز به تناسب آن افزایش خواهد یافت. پس همان‌طور که در مباحث پیشین مطرح شد، ارتباط میان فضای مجازی و فضای حقیقی ارتباطی دو سویه می‌باشد.

نکته مهم دیگری که شایان ذکر بوده آن است که شبکه‌های مجازی بسیاری از ساختارهای جامعه را دگرگون کرده‌اند. امروز دیگر آموزش و پرورش به معنی حقیقی در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. بنا بر گزارش

مرکز آمار ضریب نفوذ اینترنت در سال ۱۳۹۶ نزدیک به ۶۵ درصد بوده است.^۱ همچنین بنا بر آخرین نظرسنجی ایسپا نزدیک به ۴۷ درصد کاربران از شبکه‌های اجتماعی غیربومی استفاده می‌کنند.^۲ بیست میلیون کاربر ایرانی در اینستاگرام فعالیت می‌کنند که یکی از مؤثرترین شبکه‌های اجتماعی خصوصاً در میان نسل جوان است و با توجه به جاذبه‌های بصری و تأکید بر محتوای تصویری در این شبکه اجتماعی به وضوح نقش آموزشی در آن را می‌توان احساس کرد. بیشتر کاربران آن افراد سنین بین ۱۸ تا ۲۹ سال هستند.^۳ این افراد در اوج سن آموزش هستند. بنا بر آمارهای مرور شده به وضوح می‌توان دریافت که نوجوانان و جوانانی که بیشتر ساعات روز خود را در شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کنند، آن‌چه را که علاقه‌مند به یادگیری آن هستند، در همان بستر یافته و یاد می‌گیرند و رفتارهای دیگر کاربران را مشاهده کرده و تقلید می‌کنند. این نکات مهم بیانگر آن است که شبکه‌های مجازی قدرت نفوذ بسیار گسترده‌ای نسبت به نهادهای ارزشی و اخلاقی سنتی جامعه پیدا کرده‌اند.

با بیان این مقدمات اکنون به شرح یک مورد از پیامدهای منفی و یک مورد از پیامدهای مثبت بداخلاقی‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی بر زندگی واقعی می‌پردازیم.

۲-۱- پیامدهای مثبت

شاید در بادی امر این گزاره متناقض به نظر برسد که چگونه ممکن است بداخلاقی‌ها در فضای مجازی و حقیقی دارای آثار مثبت بر زندگی فردی و اجتماعی در فضای حقیقی باشند. اما با اندکی مداقه و تحلیل، مبحث واضح خواهد شد؛ به این صورت که هر کدام از کاربران و اعضای جامعه در درون خود متناسب با نظام اخلاقی و ارزشی که تحت تأثیر آموزه‌های آن قرار دارند، در یک شاخص ادراک اخلاق در ذهن خود و همچنین وجدان عمومی اجتماع می‌یابند. هنگامی که بداخلاقی به درجه‌ای برسد که امنیت اجتماعی را در معرض تهدید قرار دهد و متناسب با آن هر فردی احساس کند که بداخلاقی در شبکه‌های اجتماعی به خصوص در موارد حساس و مهم مانند روابط نامشروع در سطح اشمئزاز و یا رفتارهای خشونت‌آمیز منعکس شده ناشی از آن به مرحله‌ای رسیده که از آستانه تحمل فرد و جامعه بیشتر است، عزمی همگانی برای مقابله با آن شکل می‌گیرد که می‌توان از آن به کنترل اجتماعی تعبیر کرد. در این شرایط جامعه با حرکت به سمت صیانت از ارزش‌ها و باورهای خود و همچنین بازسازی و تقویت آن‌ها به نوعی الحاق عمومی و همبستگی دست می‌زند. تبلور این عزم عمومی را می‌توان در سازمان‌های مردم‌نهاد دید. امروزه شاهد نقش پررنگ سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه

^۱ درگاه ملی آمار

^۲ مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران

^۳ شبکه‌های اجتماعی معروف چه تعداد کاربر دارند؟/ ایران شاگرد اول جهان در استفاده از تلگرام!، اقتصاد آنلاین

های گوناگون مبارزه با بی‌اخلاقی به‌خصوص خشونت هستیم. این تشکل‌ها طیف وسیعی از قربانیان را مورد حمایت قرار می‌دهند و امور مربوط به آن‌ها را پیگیری می‌کنند.

این مسئله در اخلاق نیز وجود دارد که گاهی فردی آن‌قدر در گناه غرق می‌شود که ناگهان از خودش بدش می‌آید و دچار یقظه (بیداری) می‌شود و برای همیشه توبه می‌کند؛ در حالی که اگر گناهانش به آن حد از نفرت نمی‌رسید، چنین اتفاقی برای او نمی‌افتاد. در مسئله پیش رو نیز چنان‌که در جامعه خود ملاحظه می‌کنیم، با فراگیر شدن خشونت علیه کودکان، زنان و اعضای آسیب‌پذیر جامعه پوششی عمومی در راستای مبارزه با خشونت به راه افتاده و این مسئله بیانگر آن است که در سطح عمومی و کلان بخش اعظمی از جامعه در راستای مقابله با این بداخلاقی‌ها اقدام به تقویت کنترل اجتماعی و حمایت از ارزش‌ها نموده است. در همین خصوص قانون‌گذار نیز با به رسمیت شناختن این تشکل‌ها سعی در سامان‌دهی و هدایت صحیح آنان نموده است. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص اظهار می‌دارد:

سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

با توجه به صراحت قانون‌گذار و همچنین آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد با تصویب هیئت دولت در سال ۱۳۹۵ این تشکل‌ها می‌توانند در بسیاری از خشونت‌های ناشی از بداخلاقی ورود کرده، اعلام جرم و اقداماتی حمایتی نمایند و حتی در صورت لزوم بنا بر بند ج از ماده ۲۹ آیین‌نامه فوق راهپیمایی و اجتماعات عمومی برگزار کنند.

البته حریم خصوصی قربانی در این میان نباید نقض شود و حامیان قربانی باید مراقب این مسئله باشند. قانون فوق نیز تبصره‌هایی در جهت اخذ رضایت قربانیان و حفظ حریم خصوصی آنان دارد:

تبصره ۱- در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌دیده طفل، مجنون و یا در جرائم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت قیم/اتفاقی یا تایید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۴- اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم (۱۶۵) قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۱۰۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند.

مقابله با بداخلاقی‌ها در قالب تشکل‌های مردم‌نهاد می‌تواند بیانگر مطالبه‌گری عمومی و دغدغه‌مندی جامعه باشد. در این زمینه بسیاری از پویش‌های فضای مجازی نیز در راستای مبارزه با بداخلاقی در این فضا به راه افتاده است. با توجه به این که فعالیت این پویش‌ها و گروه‌ها در قالب یک تشکل قانونی مردم‌نهاد نیست، قانون دستورالعمل و نظارت چندانی بر فعالیت‌های آنان ندارد. لذا بهتر است خود این گروه‌ها توصیه‌هایی اخلاقی را در این راستا برای خود وضع کرده و رعایت نمایند. در این خصوص توصیه‌های زیر قابل توجه است:

- ۱- این اقدامات نباید مقطعی و زودگذر و به اصطلاح آتش‌نشانی باشند؛ بلکه این دیده‌بانی و نظارت باید به صورت مستمر ادامه داشته باشد.
- ۲- با توجه به تبصره ۲ ماده قانونی فوق رضایت حادثه‌دیدگان باید پیش از ورود هر یک از گروه‌ها به پیگیری و یا پوشش حادثه رخ داده اخذ شود.
- ۳- با توجه به تبصره ۴ ماده قانونی فوق حریم خصوصی افراد در موارد خاص باید رعایت شود. حمایت‌ها از قربانیان نباید موجب تشدید آزدگی خاطر آن‌ها و اطرافیان‌شان شود، آبروی آن‌ها ریخته و مشکلات آنان افزوده شود.
- ۴- گروه‌های فعال نباید صرفاً نقش گزارشگران وضعیت را بازی کنند؛ بلکه باید به‌طور جدی در راستای مبارزه با بداخلاقی و همچنین تعالی ارزش‌های اخلاقی و انسانی عاقلانه و مدبرانه قدم بردارند.
- ۵- این تأسیس مؤثر و کارگشا نباید به ابزاری برای کسب منافع شخصی، اغراض سیاسی، به دست آوردن شهرت، سیاه‌نمایی در جامعه و به‌طور کلی در خدمت اهدافی غیر از رسیدن حادثه‌دیده به مطالبات خود باشد؛ بلکه اصل غیرانتفاعی بودن و جامعوی بودن در هر گروه فعال در این زمینه در فضای مجازی باید رعایت شود.

در پایان توصیه می‌شود گروه‌های مذکور جلساتی با سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در فضای حقیقی برگزار کنند، آیین‌نامه‌های آن‌ها را مطالعه کرده و نقطه‌نظرات آنان را در این زمینه جویا شوند. تجربه این سازمان‌ها آن هم در فضای حقیقی بدون شک تجربیات عملی خوبی در اختیار گروه‌های فعال در فضای مجازی قرار خواهد داد.

۲-۲- پیامدهای منفی

پیامدهای منفی بداخلاقی‌ها بر زندگی فردی و اجتماعی را می‌توان در ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار داد. یکی از مهم‌ترین تأثیرات مستقیمی که فرد و جامعه می‌پذیرد، افزایش بداخلاقی‌ها در سطح جامعه است. چنان که در بخش‌های قبل گفتیم، بسیاری از افراد بنا بر دلایلی که ذکر شد، از اقدامات غیراخلاقی در سطح

جامعه و زندگی واقعی خودداری می‌کنند. اما بداخلاقی در هویت مجازی فرد^۱ به دو صورت خودآگاه و ناخودآگاه باعث به وجود آمدن این وضعیت در زندگی حقیقی او نیز خواهد شد.

صورت ناخودآگاه مسئله این است که استمرار بداخلاقی منجر به تبدیل شدن این رفتار به ملکه نفسانی در هویت واقعی او می‌شود؛ زیرا ملکه باطنی نفس انسان با ظهور رفتار شکل می‌گیرد و برای آن فرقی نمی‌کند که رفتار در فضای حقیقی سر زده است یا فضای مجازی. پس از شکل‌گیری ملکه، رفتارهای غیراخلاقی از فرد در فضای حقیقی نیز به سهولت بروز می‌یابد.

صورت خودآگاه آن این است که شخص ملاحظه می‌کند که بداخلاقی‌هایی که در فضای مجازی مرتکب شده، اغلب آمار بازدید از پست‌های او را بالا برده و مورد پسند عده‌ای و دنبال کردن برخی قرار گرفته است. لذا با این مقدمات فاسد به یک نتیجه فاسد خواهد رسید و آن این که بداخلاقی در زندگی واقعی نیز برای او دارای پیامدهای مثبت و پسندیدن عده‌ای خواهد شد؛ در حالی که اشکال این مغالطه در آن جا است که در فضای مجازی ما با چند میلیارد کاربر مواجهیم که اگر کسر ناچیزی از یک درصد هم مطالب ما را ببینند، حداقل چند هزار نفر خواهد شد؛ اما در فضای حقیقی افرادی که ما با آن‌ها سر و کار داریم، معمولاً از چند ده نفر تجاوز نمی‌کند. حتی اگر تمامی افرادی را نیز که در جامعه از کنار آن‌ها تنها تصادفاً رد می‌شویم، در نظر بگیریم، نهایتاً به چند صد نفر خواهد رسید و احتمال این که افراد دوستدار بی‌اخلاقی در بین آن‌ها باشند، بسیار کم است و اگر هم پیدا شوند در برابر موافقان اخلاق در جامعه بسیار ناچیزند. مطلب دیگری را که چنین مغالطه‌کننده‌ای باید در نظر بگیرد این است که بسیاری از بازدیدها و حتی دنبال کردن‌ها از روی کنجکاوی و برای در جریان حوادث قرار گرفتن است و نه برای پسندیدن؛ چنان‌که در قدیم صفحه حوادث روزنامه‌ها از پرخواننده‌ترین صفحات بود و این به معنای تأیید جنایات فرد جانی نبود.

به‌عنوان مثال در مورد خشونت، فرد ابتدا این بی‌اخلاقی را در مقام واکنش به اعمال و اتفاقات نامطلوب و بر خلاف میل خود به کار می‌برد. ابتدا در بین دوستان دست به خشونت می‌زند؛ چنان‌که در فضای مجازی در گروه دوستان چنین می‌کرد. چنین فردی همان‌طور که در فضای مجازی در گروه‌هایی عضو می‌شود که با خط فکری او با آن‌ها یکی است، در فضای حقیقی نیز معمولاً دوستانی از جنس خود برای خود انتخاب می‌کند و احتمالاً با تشویق و ترغیب آنان نسبت به اعمال غیراخلاقی مواجه خواهد شد. کم‌کم مجال بروز این رفتارها به خانواده می‌رسد و از آن جا پس از گذشت مدتی به محیط‌های عمومی و کل جامعه خواهد رسید. برای چنین فردی دیگر نگاه دیگران مهم نیست؛ چنان‌که در فضای مجازی نیز در مقابل چشمان مجازی دیگران دست به

^۱ هویت مجازی، پیامدهای منفی مختلفی دارد که قابل توجه است. این هویت افراد مجرم، کلاهبردار و فریبکار را در برابر عواقب اعمالشان حفاظت می‌کند و نوعی بی‌مسئولیتی در برابر اعمال ایجاد می‌کند؛ اما پیامدهای مثبتی هم دارد که قابل چشم‌پوشی نیستند، مانند حفظ صحت و اعتبار یک فرآیند و آزادی بیان. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: دین، فرهنگ و فناوری اطلاعات: مزایا و چالش‌های هویت مجازی در فضای سایبر، ره‌آورد نور.

این اقدامات زده بود. در واقع استمرار خشونت‌های ناشی از بداخلاقی در هویت مجازی، هویت واقعی فرد را شرطی‌سازی می‌کند. اما از این به بعد مسئله فراتر از این رفته و فردی که خشونت را تنها در مقام پاسخ دادن و به عنوان واکنش به کار می‌برد، پس از مدتی خشونت کنش رفتاری او خواهد شد. این شخص برای مبادرت به اقدامات خشونت‌آمیز دیگر منتظر یک رفتار نامطلوب در نظر خود نخواهد ماند و به صورت ابتدائی و کنشگرانه خشونت را از خود بروز خواهد داد.

مطلب قابل توجه دیگر تأثیر محیط شامل همسالان و گروه‌های معاشرتی بر فرد است که در بسیاری از شاخه‌های علمی مورد بررسی قرار گرفته و در این گزارش نیز به تفصیل توضیح داده شد. روان‌شناسان معتقدند که تداوم قرار داشتن در معرض بی‌اخلاقی منجر به بداخلاق شدن افراد می‌شود. به عبارتی با صرف نظر کردن از بیماران روحی و روانی، هیچ فردی بداخلاق از مادر زاییده نمی‌شود. شخصیت افراد محصول عوامل مهمی همچون خانواده، نهادهای آموزشی و تربیتی و محیط زندگی و جامعه او است. امروزه شبکه‌های اجتماعی تبدیل به محل زندگی جمعیت گسترده‌ای از افراد شده است؛ به گونه‌ای که شخص بیشتر عمر خود را در این فضا سپری می‌کند تا فضای حقیقی، خصوصاً نسل جوان که از آن‌ها به بومیان دیجیتال تعبیر می‌کنند. کاربران در این محیط آموزش می‌بینند، آموزش می‌دهند، از یکدیگر تقلید می‌کنند، اثر می‌گذارند و اثر می‌پذیرند. در یک پژوهش پیمایشی که در سال ۱۳۹۵ در خصوص ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی و میل به بی‌اخلاقی در جوانان صورت گرفت، یافته‌ها حکایت از آن داشت که جوانان شهر تهران گرایش شدیدی به انحرافات اخلاقی دارند. در این پژوهش بین مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی (متغیر مستقل) و گرایش به انحرافات اخلاقی (متغیر وابسته) با ابعاد اباحه‌گری عملی جوانان، خشونت و پرخاشگری جوانان، تضعیف باورهای دینی و گسترش شبهات فکری، عادی شدن روابط دختر و پسر، گسترش رفتارهای وندالیستی و ترویج همزیستی به جای ازدواج، رابطه معناداری وجود داشت.^۱

وقتی فرد به مدت طولانی شاهد بداخلاقی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی باشد، شخصیت بداخلاق در او شکل می‌گیرد و بعد از ترک کردن هر روزه فضای مجازی و داخل شدن به فضای حقیقی آموخته‌های خود را نیز به همراه می‌آورد. یکی از دلایل افزایش میزان بداخلاقی در سطح جامعه و درگیری‌های فیزیکی و لفظی و کاهش آستانه تحمل افراد نیز همین مسئله است. بدین‌وسیله روشن می‌شود که در بررسی دلایل تضعیف اخلاق در جامعه باید تأثیر شبکه‌های اجتماعی را اساسی دانست. از دیگر سو این، یک مسئله دو طرفه به صورت یک دور دیالکتیک است. جامعه بداخلاق، فضای مجازی بداخلاق می‌سازد و فضای مجازی بداخلاق نیز جامعه بداخلاق خواهد ساخت. بدین ترتیب این دو دنیای متفاوت به موازات هم حرکت کرده و بر یکدیگر تأثیر هم‌افزایی دارند به این صورت که فضای مجازی بی‌اخلاق جامعه را بی‌اخلاق‌تر خواهد ساخت و با

^۱ برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (مورد مطالعه جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران)، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

بی‌اخلاق‌تر شدن جامعه مجدداً فضای مجازی بی‌اخلاق‌تر می‌شود. با بی‌اخلاق‌تر شدن فضای مجازی مجدداً جامعه رو به بی‌اخلاقی بیشتر می‌یابد و همین‌طور تا آخر. این ارتباط، متقابل بوده و حتی به صورت عکس نیز در جهت تعالی اخلاقی ممکن است. به همین دلیل ترمیم نظام اخلاقی و ارزشی جامعه نیازمند توجه و تلاش جدی در هر دو عرصه حقیقی و مجازی است.

با توجه به این که پیامدهای منفی بد اخلاقی تمام ارکان جامعه را درگیر خود می‌کند، نیازمند آن هستیم که علاوه بر بررسی همه‌جانبه، هر بخش را نیز به‌طور جداگانه بررسی کرده و آسیب‌های وارده را برآورد نماییم؛ چراکه برخی از بخش‌های جامعه به دلیل حساسیت‌هایی که دارند، از آسیب‌پذیری بیشتر برخوردار هستند و پیامدهای منفی بد اخلاقی لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر آن‌ها وارد می‌کند. یکی از بخش‌های مهم و درعین حال آسیب‌پذیر جامعه که تحت تأثیر پیامدهای ناشی از بد اخلاقی در فضای مجاز قرار می‌گیرند، کودکان هستند. مستند بر اساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک^۱ که در سال ۱۹۸۹ میلادی مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفت کودک کسی است که:

منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به این کنوانسیون پیوسته است، مستند به ماده ۹ قانون مدنی ایران مفاد کنوانسیون در حکم قانون داخلی و لازم‌الاجرا است؛ مگر در مواردی که خلاف شرع و قوانین داخلی باشد. به نظر می‌رسد که در زمینه بحث‌های تئوریک و خصوصاً موضوع مورد بررسی باید کاربران زیر سن ۱۸ سال را به لحاظ رشد عقلی و قوه تمییز کودک بدانیم؛ خصوصاً زمانی که مورد آماج پیامدهای ناشی از بد اخلاقی در فضای مجازی قرار گرفته و بحثی از مسئولیت ایشان در میان نیست. آمار دقیق و قطعی در خصوص میزان، نحوه دسترسی و نوع استفاده کاربران زیر ۱۸ سال اینترنت در ایران در دست نیست و این فقدان آمار، نیاز جدی به انجام پیمایش‌های میدانی و استخراج آمارهای این‌چنینی را برای آسیب‌شناسی و مقابله با پیامدهای منفی فضای مجازی بر کودکان می‌طلبد. به‌عنوان مثال در یک آمارگیری که در سال ۲۰۱۰ توسط مرکز بررسی کودکان در انگلستان انجام شد، از تعداد ۱۰۳۲ کودک ۹ تا ۱۶ ساله بیش از نیمی در اتاق خواب‌های خود به اینترنت دسترسی داشته و ۷۱ درصد از آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی فعالیت دارند. همچنین ۵۹ درصد از کودکان ۱۱ تا ۱۲ ساله برای خود حساب کاربری داشته‌اند.^۲ باید توجه داشت که این آمار با توجه به توسعه شبکه‌های اجتماعی، افزایش وابستگی به فضای مجازی حتی برای انجام امور تحصیلی و آسان شدن دسترسی به اینترنت، در کشور ما نیز نرخ قابل توجهی خواهد داشت. مسئله مهم و حائز اهمیت آن است وقتی فردی به آسیب‌پذیری یک کودک - که در حال یادگیری و طی مراحل شناختی

^۱ Convention on the Rights of the Child

^۲ برای اطلاعات بیشتر رک: Risks and safety for children on the internet: the UK report

جهان اطراف خود است- در معرض حجم عظیمی از بداخلاقی‌های موجود در فضای مجازی قرار می‌گیرد، نه تنها بسیار سریع‌تر این بداخلاقی‌ها را می‌آموزد؛ بلکه تأثیر آموزه‌های اخلاقی نیز در او کم‌رنگ و حتی بی‌اثر می‌شود. در این صورت کودکانی که قرار است در آینده پدران و مادرانی باشند که فرزندان بااخلاق تربیت کنند و زندگی و کشور خود را بسازند، از ابتدای فرایند تربیتی خود به دلیل گسترش بداخلاقی در فضای مجازی در معرض آسیب‌های بسیار جدی قرار خواهند گرفت.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که گسترش بی‌اخلاقی اگرچه می‌تواند پیامد مثبت نیز داشته باشد، اما طبیعتاً هدف وسیله را توجیه نمی‌کند و کسی نمی‌تواند برای بهره‌مندی از پیامدهای مثبت یک امر منفی آن را مرتکب شود یا ترویج کند؛ چنان‌که در شریعت برخی گناهان، لطفی از سوی پروردگار متعال به بنده دانسته شده‌اند؛ اما این نباید باعث شود کسی به این نیت گناه کند.

جمع‌بندی

با توجه به این که اخلاق یکی از اصلی‌ترین منابع حقوق است و حقوق نیز در بسیاری از موارد ضمانت اجرایی ارزش‌های اخلاقی را تضمین می‌کند، رابطه دوطرفه‌ای بین این دو علم وجود دارد. بدین ترتیب استفاده از یافته‌های علم حقوق و جرم‌شناسی در مطالعات اخلاقی مفید است. نوشتار حاضر چنین استفاده‌ای را در حوزه فضای مجازی انجام داد و از منظر جرم‌شناسی با هدف علت‌یابی رواج بداخلاقی و گسترش پدیداری آن در فضای مجازی به تطبیق نظریات مطرح و شاخص جرم‌شناسی با این رفتارها پرداخت. در این خصوص نظریات تارد، دورکیم و شاو و مک‌کی (مکتب شیکاگو) مورد بررسی قرار گرفت. هر کدام از این نظریات با نگاهی متفاوت به رفتارهای انسان دلایل ارتکاب جرم و کثرت‌های اجتماعی را تبیین کرد. به‌عنوان مثال بر مبنای نظریات تارد مشخص شد که عامل تقلید نقشی اساسی در نقض قواعد اخلاقی توسط کاربران فضای مجازی دارد. دورکیم با تأکید بر ایجاد خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در جامعه با ارزش‌های خاص خود به دلیل کاهش همبستگی اجتماعی معتقد بود که نتیجه آن ترجیح ارزش‌های گروه‌های مجازی توسط اعضای آن بر ارزش‌های جامعه بود. در نهایت با بررسی نظریات مکتب شیکاگو - که با نگاهی متفاوت علت کثرت‌های اجتماعی را در محیط و ویژگی‌های آسیب‌زای آن می‌دانست- این نتیجه مهم حاصل شد که فضای مجازی دارای ویژگی‌هایی آسیب‌زا (مانند هویت ناشناس کاربران و غیربومی بودن شبکه‌های اجتماعی) است که سبب گسترش بی‌اخلاقی در این شبکه‌ها می‌شود.

گزارش حاضر با انجام این تحلیل‌ها منجر به دستیابی به برخی علل و عوامل بی‌اخلاقی در شبکه‌های اجتماعی شد. سپس از رهگذر این عوامل نتایجی قابل استفاده در سیاست‌گذاری به‌دست آورد و راهکارهایی برای مقابله با بی‌اخلاقی در فضای مجازی ارائه کرد. حصول چنین نتایجی باعث شده است تا امروزه بسیاری از کشورهای جهان تغییراتی اساسی در سیاست‌های کنترل و اداره‌ی فضای مجازی ایجاد کنند. اقداماتی همانند ایجاد شبکه‌های اجتماعی بومی و پروتکل‌های دقیق احراز هویت کاربران از جمله مهم‌ترین تدابیری اتخاذی برای اداره‌ی یک فضای مجازی اخلاق‌مدار و قابل کنترل است.

منابع

- [۱] شایگان، فریبا؛ رحیمی، محمد، بررسی جامعه‌شناختی رابطه مصرف شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به انحرافات اخلاقی (مورد مطالعه جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال شهر تهران). مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۵
- [۲] شهریاری، حمید، دین، فرهنگ و فناوری اطلاعات: مزایا و چالش‌های هویت مجازی در فضای سایبر، ره آورد نور، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۰
- [۳] کاتوزیان، ناصر، اخلاق و حقوق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۶
- [۴] کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، انتشارات میزان، ۱۳۹۳
- [۵] مجلل چوبقلو، محمدعلی، تهاجم فرهنگی و تأثیر آن بر الگوی مصرفی ایران، مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره ۷۵، ۱۳۹۲
- [۶] نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی کیفی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهیه و تنظیم محمدی و موسی‌زاده عباسی، ۱۳۸۷
- [۷] درگاه ملی آمار، Retrieved December 3, 2019, from <https://www.amar.org.ir/>
- [۸] شبکه‌های اجتماعی معروف چه تعداد کاربر دارند؟! ایران شاگرد اول جهان در استفاده از تلگرام! Retrieved December 3, 2019, from <https://www.eghtesadonline.com/> -بازار- دیجیتال-۳۲۴۲۸۴/۶۴-شبکه-های-اجتماعی-معروف-چه-تعداد-کاربر-دارند-ایران-شاگرد-اول-جهان-در-استفاده-از-تلگرام
- [۹] مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران، Retrieved December 3, 2019, from <http://ispa.ir/>
- [10] Risks and safety for children on the internet: the UK report, Sonia Livingstone, Leslie Haddon, Anke Görzig and Kjartan Ólafsson. available at: www.eukidsonline.net, December 2010.
- [11] What is Ethics?. Retrieved December 3, 2019, from <https://www.computerhope.com/jargon/e/ethics.htm>

حوزه فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد. این فضا مثل یک رودخانه پر از آب و خروشان است که می آید و دائماً هم بر آب آن افزوده و خروشان تر می شود. اگر ما بر این رودخانه تدبیر کنیم و برنامه داشته باشیم، زهکشی کنیم و هدایت کنیم این رودخانه را تا به سد بریزد، می شود فرصت. اگر رهاش کنیم و برنامه ای برای آن نداشته باشیم می شود یک تهدید.



csri.majazi.ir